

لغتنامه انیس

جدول زیر به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است.

الف	
معنی	کلمه
به معنای «اقدامی از روی ایمان»؛ مراسم توبه‌ی عمومی.	آتو دِ فِه (Auto de fe)
نام ناوگان دریایی اسپانیا قرن ۱۶	آرمادا
عقرب	ال آلاکران (El Alacrán)
قصر	الکصر
افسر برقراری نظم (پاسبان)	الگوآخیل (Alguacil)
بزرگترین ساختمان دوره‌ی رنسانس در دنیا	ال اسکوریال
در مراسم عشای ربانی برای ابراز همدلی و بیان وجه اشتراک و باورهای همسان و به نوعی تجدید بیعت با مسیح، تکه‌ای نان و جرعه‌ای شراب می‌خورند.	آیین همدلی (Com-munion)
ب	
بابتیستا به معنی تعمیددهنده، نام اعضای فرقه‌ای خاص از مسیحیت است (تعمیدیون) که معتقد به جدایی سیاست و دین هستند. این افراد معتقدند که شخص باید ابتدا به بلوغ فکری رسیده باشد و سپس به خواست خود غسل تعمید یابد و به هیچ عنوان نوزادان را تعمید نمی‌دهند، از همین روی به آن‌ها تعمیددهندگان (بابتیست) می‌گویند.	بابتیستا، بیتیستا (Baptista)
برگزیده، سعادتمند و دارای موهبت. نام گروهی از زنان پرتغالی و یا اسپانیایی بسیار پارسا و مقید در ایمان که مشابه سالک‌ها جدا از دنیا کنج عزلت می‌گزیدند و تحت حمایت کلیسا بودند.	بیاتا (Beata)
آنا بابتیست‌ها یا بازتعمیدی‌ها شاخه‌ای از مسیحیان هستند که نخستین غسل تعمید خود در دوران کودکی را باور ندارند و معتقدند شخص باید در زمان بلوغ فکری خود بخواهد که غسل تعمید ببیند.	بازتعمیدی، آنا بابتیست (Anabap-tist)
جادوگر	بروخا (Bruja)
پ	
میدان	پلازا (Plaza)

پرادو (Prado)	ساختمانی در مادرید
پلوماچرو (Plumajero)	هنرمندی که با پرهای زینتی آثاری زیبا بیافریند.
پوئرتا (Puerta)	دروازه
پوترو (Petro)	تخت غلتک دار. یکی از سه شکنجه‌ی مورد استفاده توسط تفتیش عقاید اسپانیا
ت	
تُنْتا (tonta)	کودن، ابله
توکا (Toca)	به معنی «پوشیه» یکی از سه نوع شکنجه‌ی مورد استفاده‌ی تفتیش عقاید اسپانیا.
تورنئو (Torneo)	تورنمنت، مسابقه
تیا (Tía)	خاله
ر	
ربی	به آموزگاران تورات می‌گویند. در عبری به معنای استاد من است.
س	
سان بنی تو (Sanbeni- to)	لباس یا روپوشی که توسط مراجع تفتیش عقاید، خاصاً در اسپانیا و پرتغال بر تن گناهکار و توبه‌کنندگان پوشانده می‌شد.
سالونیکا (Salonica)	همان تسالونیک امروزی (Thesaloniki) که شهری پرجمعیت در یونان است و در دوره امپراتوری عثمانی آن را سالونیکا می‌نامیدند.
سکریتو (Secreto)	محرمانه، مخفیانه
سِویا، سویا (Sevilla)	چهارمین شهر بزرگ اسپانیا
ش	
شعائر (Sacrament)	هفت آیین مقدس مسیحیت. این آیین‌های هفتگانه عبارت‌اند از: ۱. غسل تعمید ۲. تدهین ۳. اعتراف به گناه و آیین توبه ۴. تبرک و عشای ربانی ۵. ازدواج ۶. آخرین تدهین ۷. دست‌گذاری (تفویض مقام روحانیت)
شَبَّات (Sabbath)	(در عبری به معنی شنبه می‌باشد که روزی تعطیل است.) یهودیان در این روز برای نیایش به کنیسه یا معبدهای خود می‌روند، همچنین تعیین شده که در شب‌ات نباید ۳۹ کار ویژه انجام شود؛ از جمله آشپزی، کشاورزی، حمل‌ونقل و غیره.
چ	
چپین	شبیه کفش پاشنه‌بلند است اما عوض آن که پاشنه در انتها و سمت پاشنه‌ی پا قرار بگیرد، به صورت سرتاسری کف کفش را از پنجه تا پاشنه فرا می‌گیرد.
ح	
حجره‌بندی	فرورفتگی‌های قاب مانند داخل سقف. نوعی معماری اروپایی.

حموتزی (Hamotzi)	دعایی به زبان عبری که برای سپاس از نعمت نان و برکت دادن به آن به جا می‌آورند.
خ	
خستو، خستوگر	اعتراف است. خستوگر یعنی کسی که اعتراف می‌گیرد.
ع	
عنبرچه، عنبرینه	محفظه‌ای از جنس طلا (به شکل آویز گردن) یا کیسه‌ای پارچه‌ای باشد که در آن چیزهای معطر می‌گذاشتند تا بوی خوبی از خود ساطع نمایند.
ف	
فرسکو (Frescoes)	نوعی تذهیب اما به سبک غربی. دیوارنگاره‌های گچی، نقاشی‌هایی بر سقف و دیوار.
فلاندری یا فلامان‌ها (Flemish)	مردمی هلندی‌زبان و غالباً ساکنان نیمه‌ی شمالی کشور بلژیک.
ک	
کابایرو (Caballero)	جنتلمن، درجه‌ای برای اشراف و تقریباً هم‌سنگ با درجه‌ی شوالیه
کاردینال (Cardinal)	درجه‌ای که توسط پاپ به اعضای منتخب از کلیسای کاتولیک عطا می‌گردد. پس از پاپ بالاترین درجه‌ی کلیسا می‌باشد و وظیفه‌ی انتخاب پاپ نیز برعهده‌ی همین گروه است.
کازا (Casa)	خانه
کاستیل، کستبله، کستیه (Castile)	ناحیه‌ای بدون مرز و وسیع حدوداً در مرکز اسپانیای امروزی. در قرون وسطی یک پادشاهی مستقل بوده و در لغت به معنای سرزمین کاخ‌ها و قصرها می‌باشد.
کالون‌گرا (Calvinist)	فرقه‌ای از مسیحیت که به آن‌ها کالون‌گرایان (کالونیست‌ها) یا مسیحیت/پروتستان اصلاح‌شده نیز می‌گویند. نام این فرقه از روی نام ژان کالوین برگرفته شده. این فرقه در قرن شانزده میلادی شکل گرفت. یکی از تفاوت‌های اعتقادی میان مسیحیت و مسیحیت اصلاح‌شده (کالوین‌گرایی) در این است که در اولی باور به اراده‌ی آزاد انسان است و در دومی باور بر این است که سرنوشت هرکس در بدو تولد او به دست پروردگار تعیین گردیده.
کانورسا (Conversa)	مرتد، کسی که دین و کیش خود را عوض کرده باشد. در این جا کسی که از یهودیت به مسیحیت تغییر آیین داده باشد.
کایه (Calle)	خیابان
کَریدا (Querida)	عزیزم
کسیدو (Cocido)	نوعی خوراک اسپانیایی
کنت، کنتس	مقامی اشرافی که از نظر رتبه در میان اشراف در جایگاهی میانی و متوسط قرار داشته است. کُنت برای آقایان و کنتس برای بانوان.
کنیسه (Synagogue)	نیايشگاه يهوديان
کوآدری‌ئرو (Cuadril-lero)	عضوی از یک جوخه، سربازی در یک گروه نظامی.

کوئیدادو (Cuidado)	مراقب باش، حواست جمع باشد.
گ	
گاروچا (Garrucha)	شکنجه‌ی مچ‌کشی. از سه شکنجه‌ی تفتیش عقاید اسپانیا
گالیون (Galleon)	کشتی‌های جنگی ناوگان اسپانیا
گرانادا (Granada)	شهری در اسپانیا می‌باشد. ضمناً گرانادا در لغت به معنای انار است که میوه‌ای بومی آن منطقه بوده است. نام این شهر احتمالاً به همین خاطر یا از واژه‌ی انار آمده و یا از واژه‌ی عربی غرناطه به معنی «تپه‌ی غریبه‌ها» گرفته شده است چراکه آن زمان مسلمانان آن‌جا ساکن بوده‌اند.
گرنندی (Grandee)	در اسپانیا و پرتغال بالاترین مقام در میان اشراف بوده است. به معنی اعیان یا بسیار با عظمت.
د	
دین‌یار (Chaplain)	کشیش‌ها یا اشخاصی روحانی که در یک نهاد سکولار (یعنی نهادی بی‌ربط به دین، مثلاً بیمارستان، ارتش یا مدرسه) مشغول باشند و یا در نیایشگاهی خصوصی فعالیت کنند.
ر	
رفران (Refrán)	ضرب‌المثل، یک جمله یا یک عبارت است که معنای ظاهری‌اش با معنای ضمنی‌اش فرق کند.
رومرو (Romero)	در اسپانیایی یعنی رزماری. یک نام خانوادگی مرسوم در میان ایتالیایی‌ها و رومی‌ها و اسپانیایی‌ها که از واژه‌ی لاتین رومروس (به معنای شخص رومی) نشئت گرفته.
ل	
لاکاسیا (La Casilla)	جعبه یا «چهاردیواری»، نام یک عمارت و موزه.
لاهرمنیتا (La Her-manita)	خواهر (خواهر روحانی، لقبی برای نامیدن یک راهبه)
لیناهیستا (Linajista)	کسی که شجره‌نامه‌ی اشخاص را پیدا می‌کند. شجره‌نگار.
م	
مادریلنیو (Madrileño)	اهل مادرید، مادریدی
مارکیس، مارکیسا	مارکیسا (مونث) و مارکیس (مذکر) القابی بلندمرتبه و موروثی در میان اشراف اسپانیا هستند.
مُدَجَن (Mudéjar)	از مسلمانان مراکشی تبار اسپانیا که پس از یورش مسیحیان به اندلس، آن‌جا را ترک نکردند و تحت سلطه‌ی آنان به زندگی خویش در اسپانیا ادامه دادند. برخلاف موریسکاها که مسلمانان مسیحی شده بودند، مدجن‌ها با وجود ادامه اقامت در اسپانیا به مسیحیت نگرویدند.
مطران	همان سرکرده و اسقف اعظم یک کلان‌شهر است (بالاترین درجه‌ی اعضای کلیسا در یک کلان‌شهر). نائب مطران نیز معاون و قائم‌مقام وی است.
منتیدرو (Mentidero)	بناهایی برای اجتماع مردم جهت صحبت درباره‌ی مسائل مختلف (موسیقی، سیاست، شایعه‌پراکنی و غیبت)
موریسکا (Morisca)	مورچه‌ی کوچک، مور حقیر. نامی که برای مسلمانان مقیم اسپانیا گذاشته بودند.

میلاگریٲو (Milagrito)	معجزه
میلاگرا، میلاگرا (Milagrera)	بانویی ایجازآفرین
و	
وردوگادو (Verdu-gado)	لباس زنانه‌ای اسپانیایی که دامن آن از چند حلقه‌ی فلزی به عنوان اسکلت دامن ساخته می‌شود تا آن را پف‌دار و حجیم نگه دارد.
ویهوتلا (Vihuela)	سازی شبیه گیتار اما کوچک‌تر و کشیده‌تر
ه، ه	
هرٲ (Jerez)	نوعی نوشیدنی الکلی
هیدالگو (Hidalgo)	نجیب‌زاده‌ی مرد
ی	
یهودگرا (Judaizer)	جُهود. یهودی‌ای که به اجبار به دین مسیحیت گرویده باشد اما همچنان در خفا تعالیم یهودی خود را دنبال کند.